

پرش ها و پانچ ها

پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصوبه‌ها شعی خراسانی حفظه الله تعالی

موضوع:

۱. مقدمات؛ عقل
۲. عقاید؛ شناخت آخرت؛ برزخ، قیامت، بهشت و دوزخ
۳. احکام؛ حدود و تعزیرات
۴. احکام؛ قصاص و دیات

بسم الله الرحمن الرحيم**پرسش****نویسنده: در انتظار**

چند سؤال از محضر شریف شما داشتم که ممنون می شوم پاسخ دهید:

۱. وضعیت افراد مبتلا به جنون در آخرت چگونه است؟ اگر در این دنیا ضرری به کسی برسانند یا گناهی انجام دهند، چگونه بازخواست می شوند؟ تکلیف فردی که به او ضرر وارد شده است چه می شود؟
۲. وظیفه‌ی ما نسبت به افراد مبتلا به جنون چیست و چگونه باید با آن‌ها برخورد کنیم؟ تحمل برخی از کارهای آن‌ها، اگر دارو مصرف نکنند، بسیار سخت است، تا حدی که گاهی صبری باقی نمی ماند. آیا می توانیم برای کنترل آن‌ها از تنبیه بدنی استفاده کنیم، حتی اگر والدین، خواهر و برادر و دیگر آشنایان باشند، یا این کار مطلقاً حرام است؟ اگر کسی این کار را انجام داده باشد، چه راه جبرانی دارد؟ با توجه به اینکه حلالیت گرفتن از آن‌ها هم منطقی به نظر نمی رسد!
۳. من کسی را می شناسم که یکی از اعضای خانواده اش این اوصاف را دارد و هنگام عبادات شبانه اش مضطرب است؛ چراکه گاهی با او بیدار می شود. آیا می تواند عبادات شبانه و صبحش را به تأخیر بیندازد و قضایشان را به جا آورد؟ خداوند بر عمر و سلامتی تان بیفزاید.

پاسخ

تاریخ: ۱۴۰۳/۳/۷

لطفاً به نکات زیر توجه فرمایید:

۱. شناخت خوب و بد به وسیله‌ی عقل انجام می شود و از این رو، کسی که عقل خود را از دست داده است، قادر به شناخت خوب و بد نیست و تبعاً مکلف محسوب نمی شود؛ چراکه خداوند

فرموده است: «لَا تُكَلِّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا»؛ «کسی جز به اندازه‌ی توانش تکلیف نمی‌شود» و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: «رُفِعَ الْقَلَمُ عَنِ الْمَجْنُونِ حَتَّى يَبْرَأَ»؛ «قلم از مجنون برداشته شده است تا آن گاه که بهبود یابد». این به معنای آن است که چنین کسی، اگر مرتکب معصیتی شود، کیفری در آخرت ندارد؛ مگر اینکه خودش با انجام کارهایی حرام یا ترک کارهایی واجب، موجب ابتلاش به جنون شده باشد؛ چراکه در این صورت، کیفر او در آخرت بابت معصیتی که مرتکب می‌شود، بعید نیست و در غیر این صورت نیز، هرگاه تا پیش از ابتلاش به جنون، اهل معصیت بوده باشد، در آخرت کیفر داده می‌شود؛ چراکه ابتلاش به جنون، در حکم مرگ بوده است، مگر اینکه بهبود یابد و توبه کند؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«سَأَلْتُ الْمَنْصُورَ عَنِ الْمَجَانِينِ، كَيْفَ تَكُونُ حَالُهُمْ فِي الْآخِرَةِ؟ فَقَالَ: هُمْ فَرِيقَانِ: فَرِيقٌ بَلَغُوا وَهُمْ أَصِحَّاءُ، فَفَسَقُوا حَتَّى أَخَذَهُمُ الْجُنُونُ، فَهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ، وَمَا كَانَ جُنُونُهُمْ إِلَّا بِمَنْزِلَةِ الْمَوْتِ، وَفَرِيقٌ بَلَغُوا وَهُمْ مَجَانِينُ، فَأَمَرَهُمُ إِلَى اللَّهِ، قُلْتُ: وَمَا يَفْعَلُ بِهِؤُلَاءِ؟ قَالَ: إِنْ شَاءَ جَعَلَهُمْ مَعَ الْوُحُوشِ؛ فَإِنَّهَا تُحْشَرُ، وَإِنْ شَاءَ فَتَنْهَمُ لِيَعْلَمَ مَاذَا يَفْعَلُونَ، وَإِنْ شَاءَ أَدْخَلَهُمُ الْجَنَّةَ؛ فَإِنَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ، قُلْتُ: فَمَا حَالُ فَرِيقٍ صَلَحُوا حَتَّى أَخَذَهُمُ الْجُنُونُ؟ قَالَ: وَهَلْ يَأْخُذُ الْجُنُونُ صَالِحًا؟!»؛ «از منصور درباره‌ی مجانین پرسیدم که وضعیتشان در آخرت چگونه است؟ پس فرمود: آنان دو گروه هستند: گروهی که وقتی به بلوغ رسیدند سالم بودند، پس گناه کردند تا آن گاه که دچار جنون شدند، پس آنان اهل دوزخند و جنونشان جز به منزله‌ی مرگ نبوده است و گروهی که وقتی به بلوغ رسیدند دچار جنون بودند، پس کار آنان با خداوند است، گفتم: یعنی با آنان چه می‌کند؟ فرمود: اگر بخواهد آنان را با حیوانات قرار می‌دهد؛ چراکه آنها هم محشور می‌شوند و اگر بخواهد آنان را می‌آزماید تا ببیند که چه کار می‌کنند و اگر بخواهد آنان را به بهشت می‌برد؛ چراکه او هر کس را بخواهد بی حساب روزی می‌دهد، گفتم: پس گروهی که صالح بودند تا آن گاه که دچار جنون شدند چه وضعی دارند؟ فرمود: مگر کسی که صالح است هم دچار جنون می‌شود؟!»

۱. البقرة / ۲۳۳

۲. مسند زید بن علی، ص ۳۲۶؛ مسند أبي حنيفة (رواية الحصكفي)، الحديث ۵؛ مسند أبي داود الطيالسي، ج ۱، ص ۸۹؛ سنن سعيد بن منصور (الفرائض إلى الجهاد)، ج ۲، ص ۹۵؛ مسند ابن الجعد، ص ۱۲۰؛ مسند إسحاق بن راهويه، ج ۳، ص ۹۸۸؛ مسند أحمد، ج ۲، ص ۲۶۶؛ مسند الدارمي، ج ۳، ص ۱۴۷۷؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۶۵۸؛ سنن أبي داود، ج ۴، ص ۱۴۰؛ سنن الترمذي، ج ۴، ص ۲۲؛ مسند البزار، ج ۱۶، ص ۲۴؛ سنن النسائي، ج ۶، ص ۱۵۶؛ صحيح ابن خزيمة، ج ۲، ص ۱۰۲

این وضع افراد مبتلا به جنون در آخرت است، ولی در دنیا اگر مرتکب معصیتی شوند، حد بر آنان جاری نمی‌شود و اگر مرتکب جنایتی شوند، دیه بر عهده‌ی عاقله‌ی آنان یعنی مردان خویشاوندشان است؛ چراکه در مراقبت از آنان کوتاهی کرده‌اند؛ چنانکه روایت شده است: «إِنَّ مَجْنُونًا سَعَى عَلَى رَجُلٍ بِالسَّيْفِ فَضَرَبَهُ، فَرَفَعَ ذَلِكَ إِلَى عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَجَعَلَهُ عَلَى عَاقِلَتِهِ، وَقَالَ: عَمْدُهُ وَخَطْوُهُ سَوَاءٌ»؛ «مجنونی با شمشیر به مردی حمله‌ور شد و او را زد، پس داوری را به نزد علی علیه السلام آوردند، پس دیه را بر عاقله‌ی مجنون قرار داد و فرمود: عمد و خطای او یکسان است».

۲. مراقبت از مجنونی که ممکن است به خود یا دیگران آسیب برساند، بر سرپرست او واجب است و اگر در آن کوتاهی کند، ضامن محسوب می‌شود، ولی آیا می‌تواند برای آن او را بزند؟ در صورتی که او پدر یا مادرش باشد، نمی‌تواند؛ چراکه امر خداوند به احترام پدر و مادر مطلق است و شامل زمانی که دچار جنون شده‌اند نیز می‌شود، بل در صورتی که او پدر یا مادرش نباشد نیز باید جز به ضرورت از زدن او خودداری کند؛ چراکه او با علم و اختیار کار بد نمی‌کند و تبعاً مستحق عقوبت نیست، در حالی که زدن عقوبت محسوب می‌شود؛ با توجه به اینکه بعید است بازداشتن او از آسیب رساندن به خود یا دیگران، متوقف بر زندنش باشد و با این حساب، اگر کسی او را بدون ضرورت بزند، باید از درگاه خداوند استغفار کند و در صورت وارد آمدن آسیب دیه بپردازد. آری، کسی که مجنون به او حمله‌ور می‌شود و ممکن است او را بکشد، می‌تواند با هر کاری که ضرورت دارد از خود دفاع کند، اگرچه زدن یا حتی کشتن مجنون باشد و در این صورت، قصاص نمی‌شود و دیه بر عهده‌ی او نیست و این نظر اهل بیت و نظر مالک، شافعی و احمد بن حنبل است و از اهل بیت روایت شده که دیه از بیت المال پرداخت می‌شود تا خون مجنون هدر نرود^۲، ولی عمل به این روایت مشکل است؛ چراکه از یک سو خبر واحد است و خبر واحد حجت نیست و از سوی دیگر معقول به نظر نمی‌رسد؛ با توجه به اینکه ورثه‌ی مجنون در مراقبت از او کوتاهی کرده‌اند و از این رو، مستحق محروم شدن از دیه‌ی او هستند و دلیلی برای تحمیل دیه‌ی او به عموم مسلمانان وجود ندارد؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«سَأَلْتُ الْمَنْصُورَ عَنْ رَجُلٍ هَاجَمَهُ مَجْنُونٌ، فَضَرَبَ الْمَجْنُونُ بَعْصَاءَهُ، فَقَتَلَتْهُ، قَالَ: إِنَّ هَاجِمَهُ وَفِي يَدِهِ شَيْءٌ كَحَدِيدَةٍ أَوْ هِرَاوَةٍ أَوْ أَجْرَةٍ فَلَا قُوَّةَ عَلَيْهِ وَلَا دِيَّةَ، وَإِنَّ هَاجِمَهُ وَلَيْسَ فِي يَدِهِ شَيْءٌ فَعَلَيْهِ الدِّيَّةُ، قُلْتُ: إِنَّهُ هَاجَمَهُ بِأَجْرَةٍ، وَقَدْ سَمِعْتُ بَعْضَ الْفُقَهَاءِ يَقُولُ أَنَّ دِيَّتَهُ فِي بَيْتِ الْمَالِ،

۱. الأصل لمحمد بن الحسن الشيباني، ج ۴، ص ۴۶۲؛ من لا يحضره الفقيه لابن بابويه، ج ۴، ص ۱۴۱؛ تهذيب الأحكام للطوسي، ج ۱۰، ص ۲۳۲
 ۲. بنگرید به: الکافي للكليني، ج ۷، ص ۲۹۴؛ من لا يحضره الفقيه لابن بابويه، ج ۴، ص ۱۰۳؛ تهذيب الأحكام للطوسي، ج ۱۰، ص ۲۳۱.



قَالَ: لَيْسَتْ دِيْنُهُ عَلَى قَاتِلِهِ، فَكَيْفَ تَكُونُ عَلَى سَائِرِ النَّاسِ؟! لَا وَاللَّهِ، لَا دِيْنَةَ لَهُ، وَقَدْ رَغِمَ أَنْفٌ وَرَتْبِهِ إِذْ لَمْ يُمَسْكُوهُ؛ «از منصور درباره‌ی مردی پرسیدم که مجنونی به او حمله‌ور شده، پس مجنون را با عصای خود زده و کشته است، فرمود: اگر در حالی به او حمله‌ور شده که در دستش چیزی مانند چاقو یا چماق یا آجر بوده، نه قصاصی بر عهده‌ی اوست و نه دیه‌ای و اگر در حالی به او حمله‌ور شده که در دستش چیزی نبوده، دیه بر عهده‌ی اوست، گفتم: با آجر به او حمله‌ور شده است، ولی از برخی فقها شنیده‌ام که دیه‌ی او از بیت المال پرداخت می‌شود، فرمود: دیه‌ی او بر عهده‌ی قاتلش نیست، پس چگونه بر عهده‌ی سایر مردم باشد؟! نه به خدا سوگند، برای او دیه‌ای نیست و بینی ورثه‌اش به خاک مالیده شد هنگامی که او را نگاه نداشتند».

از اینجا دانسته می‌شود که ورثه‌ی مجنون باید او را نگاه دارند تا نتواند به خود یا دیگران آسیب برساند و نگاه داشتن او می‌تواند با بستری کردن او در بیمارستان یا حبس کردن او در خانه یا همراهی کردن با او در بیرون یا حتی بستن او انجام شود، اگرچه پدر یا مادر باشد؛ چراکه این کارها، بی‌احترامی به او محسوب نمی‌شود.

۳. کسانی که از نعمت عقل برخوردارند، هرگاه با مجنونی مواجه می‌شوند، باید خداوند را بر نعمت عقل شکر بگزارند؛ چراکه اگر می‌خواست آنان را نیز از آن محروم می‌کرد؛ چنانکه روایت شده است: «إِذَا رَأَيْتَ الرَّجُلَ وَقَدْ ابْتُلِيَ وَأَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ، فَقُلْ: اللَّهُمَّ إِنِّي لَا أَسْخَرُ وَلَا أَفْخَرُ، وَلَكِنْ أَحْمَدُكَ عَلَى عَظِيمِ نِعْمَتِكَ عَلَيَّ»؛ «هرگاه کسی را دیدی که مبتلا شده، در حالی که خداوند به تو نعمت داده است، بگو: خداوندا! من مسخره نمی‌کنم و فخر نمی‌فروشم، ولی تو را بر نعمت عظیمی که به من داده‌ای شکر می‌گزارم» و باید مجنون را انسانی بیمار بدانند که شایسته‌ی ترحم و کمک است، نه شایسته‌ی تنفر و آزار؛ چنانکه روایت شده است: «مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عَلَى جَمَاعَةٍ، فَقَالَ: عَلَى مَا اجْتَمَعْتُمْ؟ قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، هَذَا مَجْنُونٌ يُضْرَعُ، فَاجْتَمَعْنَا عَلَيْهِ، فَقَالَ: لَيْسَ هَذَا بِمَجْنُونٍ، وَلَكِنَّهُ الْمُبْتَلَى، ثُمَّ قَالَ: أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِالْمَجْنُونِ حَقِّ الْمَجْنُونِ؟ قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: الْمُتَبَخَّرُ فِي مَشِيَّتِهِ، النَّاطِرُ فِي عِطْفِيهِ، الْمُحَرَّكُ جَنْبِيهِ بِمَنْكَبِيهِ، يَتَمَنَّى عَلَى اللَّهِ جَنَّتَهُ وَهُوَ يَعْصِيهِ، الَّذِي لَا يُؤْمِنُ شَرَّهُ، وَلَا يُرْجَى خَيْرُهُ، فَذَلِكَ الْمَجْنُونُ، وَهَذَا الْمُبْتَلَى»؛ «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر جماعتی گذشت، پس فرمود: بر چه چیزی جمع شده‌اید؟

۱. الکافی للکلینی، ج ۲، ص ۹۸

۲. الخصال لابن بابویه، ص ۳۲۲

گفتند: ای رسول خدا، این مجنونی است که دچار صرع شده است، پس بر او جمع شده‌ایم، فرمود: این مجنون نیست، بلکه بیمار است، سپس فرمود: آیا شما را از مجنون حقیقی خبر بدهم؟ گفتند: آری، ای رسول خدا، فرمود: کسی که با تکبر راه می‌رود و به سر و وضع خود می‌نگرد و پهلوهایش را با شانه‌هایش می‌جنباند، از خداوند توقع بهشت دارد در حالی که او را نافرمانی می‌کند، از شَرش ایمن نیستند و به خیرش امیدی ندارند، مجنون اوست و این بیمار است». پس باید بر او ترخم کنند و به او کمک رسانند و نباید از او متنفر شوند و او را بیازارند و اگر از او رفتاری می‌بینند یا سخنی می‌شنوند که ناراحت‌کننده است، نباید بر او خشم گیرند؛ چراکه نمی‌فهمد چه می‌کند و چه می‌گوید، بلکه باید صبر پیش گیرند و تحمل کنند، تا خداوند آنان را اجر دهد. نزدیکان او نیز باید او را آزمایشی از جانب خداوند و فرصتی برای کسب ثواب و آموزش گناهان بدانند؛ چراکه خداوند بندگان خود را به اشکال مختلف می‌آزماید، تا ببیند که چگونه عمل می‌کنند و هر کس صبر نشان دهد و تقوا پیش گیرد، برای او اجر عظیمی است. البته خداوند برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است و مراعات مجنون نیز نباید از اندازه بگذرد، به این معنا که با ترک کاری واجب یا انجام کاری حرام همراه شود. بنابراین، اگر نماز مجنونی را تحریک می‌کند، نباید آن را ترک نمود، بل باید آن را در جایی به جای آورد که او حضور ندارد؛ چنانکه روایت شده است: **«جَنَّبُوا مَسَاجِدَكُمْ الْمَجَانِينَ»**^۱؛ «مجانین را از مساجد خود دور نگاه دارید».



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوهای شاهنشاهی خراسانی
بخش احکامات و مستشاران



۱. مصنف عبد الرزاق، ج ۱، ص ۴۴۱؛ تاریخ المدینة لابن شبة، ج ۱، ص ۳۵؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۴۷؛ المعجم الكبير للطبرانی، ج ۸، ص ۱۳۲؛ من لا یحضره الفقیه لابن بابویه، ج ۱، ص ۲۳۷؛ السنن الكبرى للبيهقي، ج ۱۰، ص ۱۷۷؛ تهذيب الأحكام للطوسي، ج ۳، ص ۲۴۹